

Jurisprudential and Legal Analysis of Iran's Criminal Policy on Acid Attacks

Morteza Arefi

Assistant Professor, Department of Criminal Law and
Criminology, Bu-Ali Sina University, Hamedan,
Iran Email: m.arefi@basu.ac.ir



Abstract

Acid attack is among the crimes for which Qisas is the primary punishment, whether it pertains to the soul, body, or benefit. The necessity of observing the principle of similarity in the implementation of Qisas, juxtaposed with the infeasibility of retribution in instances where there is a risk of excessive harm, has led to significant doubts regarding the applicability of retribution for this crime. Addressing this behavior, which inflicts irreparable physical and psychological harm on the victim, requires the adoption of a prudent and comprehensive criminal policy that emphasizes the severity of punishment and the protection of the victim. In this context, uncertainties surrounding the feasibility of retribution undermine the deterrent objective of this crime.

Journal of Research and
Development in Criminal Law and
Criminology

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 1 | No. 1 | Spring and
Summer 2024
(Original Article)

www.jclc.llrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jclc.2024.718666](https://doi.org/10.22034/jclc.2024.718666)

This research analyzes both the material and mental elements of this crime and examines Iran's criminal policy in light of "the Law on Increasing the Punishment of Acid Attacks and Protecting the Victims Thereof" from the perspective of criminal law principles and jurisprudential standards, including the condition of similarity in retribution. Despite the new law's innovations compared to the previous legislation, which align it more closely with Islamic jurisprudence, ambiguities persist regarding the physical behaviors encompassed by this law. There is uncertainty in determining the punishment for the crime of acid attack and the nature of forgiveness by the next of kin or the victim concerning the Ta'zir punishment for this crime. Furthermore, there is uncertainty regarding the enforceability of retribution for limbs or benefits based on the condition of similarity. It is imperative for the legislature to address these deficiencies.

Keywords: *Acid Throwing, Penal Policy, Criminalization, Victim*



تحلیل فقهی و حقوقی سیاست کیفری ایران در قبال اسیدپاشی

استادیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه بوعلی سینا، همدان،
ایران

مرتضی عارفی

Email: m.arefi@basu.ac.ir



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و

جرم‌شناسی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۱ | بهار و تابستان ۱۴۰۳

(مقاله پژوهشی)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jclc.2024.718666

چکیده

اسیدپاشی در زمره جنایاتی است که مجازات اصلی و اولیه آن قصاص اعم از نفس، عضو یا منفعت است. ضرورت رعایت مماثلت در اجرای قصاص از یک سو و سقوط قصاص در فرضی که خطر تجاوز در قصاص عضو یا منفعت وجود دارد از سوی دیگر موجب شده در خصوص امکان اجرای قصاص در قبال این جرم تردید جدی وجود داشته باشد. مقابله علمی با این رفتار که آثار جسمی و روانی غیرقابل جبرانی بر جسم و روان بزه‌دیده بر جای می‌گذارد نیازمند اتخاذ سیاست جنایی مدبرانه و همه جانبه‌ای مبتنی بر مولفه‌های شدت مجازات و حمایت از بزه‌دیده است. در این میان، تردید در امکان اجرای قصاص هدف بازدارندگی این جرم را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

پژوهش حاضر ضمن تحلیل ارکان مادی و معنوی این بزه، سیاست کیفری ایران را در قبال این جرم در پرتو «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن» از منظر

قواعد حقوق کیفری و موازین فقهی از جمله شرط مماثلت در استیفای قصاص، مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به رغم نوآوری‌هایی که قانون جدید در مقایسه با قانون سابق و سازگاری بیشتر آن با فقه اسلامی، کماکان در رفتارهای فیزیکی تشکیل دهنده رکن مادی این جرم، مجازات شروع به جرم اسیدپاشی، ماهیت گذشت اولیاءدم یا بزه‌دیده در قبال مجازات تعزیری این جرم ابهام وجود دارد. علاوه بر این در خصوص قابلیت اجرا یا عدم اجرای قصاص عضو یا قصاص منفعت میتنی بر شرط مماثلت نیز تردید وجود دارد که شایسته است قانونگذار این نواقص را مرتفع کند.

کلیدواژه‌ها: اسیدپاشی، جرم‌انگاری، سیاست کیفری، بزه‌دیده

مقدمه:

با گذشت زمان و گسترش جوامع انسانی و عمیق‌تر شدن روابط انسان‌ها در زندگی اجتماعی، بشر دریافته که می‌بایست برای جلوگیری از تجاوز به حق‌ها چاره‌ای بیاندیشد. از این رو، جرم‌انگاری عناوین مجرمانه و کیفرگذاری برای آنها یکی از راه‌کارهای پیش‌بینی شده توسط قانون‌گذاران است که با گذر زمان و مطابق با تحولات زندگی بشری تغییر یافته و این نیاز مطابق با شرایط زندگی اجتماعی و اقتصادی و علمی بشر و ثبت اختراعات و تولیدات گوناگون و نحوه استفاده و کاربرد آن‌ها در زندگی جمعی بوده است. بسیاری از کشفیات و تولیدات بشر استفاده‌ی دو یا چندگانه دارند. اسید از همین یافته‌ها و تولیدات است که هم کاربرد صنعتی و علمی دارد و هم می‌توان از آن برای اهداف دیگر، از جمله ارتکاب جرم استفاده نمود.

در ایران برای نخستین بار در سال ۱۳۳۷ قانون‌گذار برای مقابله با عمل شوم و غیر انسانی اسیدپاشی، مبادرت به تصویب ماده واحده مربوط به مجازات پاشیدن اسید کرد. با گذشت زمان و تکرار چنین عمل غیر انسانی و نگرانی‌های ایجاد شده در پی اسیدپاشی در جامعه و عدم بازدارندگی مجازات،^۱ قانون‌گذار در سال ۱۳۹۸، قانون جدید «تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن»^۲ را به تصویب رساند.

لازم به ذکر است قبل از تصویب قانون فوق‌الذکر، در خصوص موضوع اسیدپاشی تحقیقات متعددی از جمله «مطالعه بزه اسیدپاشی و سیاست کیفری ایران در قبال آن و راه‌کارهای

۱. در یک پژوهش کیفی که با انجام مصاحبه عمیق با نُه نفر از اسیدپاشان انجام شده است ضعف قوانین و بازدارنده نبودن مجازات مورد اشاره آنها قرار گرفته است: ابراهیمی، مرضیه، میرحسینی، زهرا (۱۳۹۶). «مطالعه زمینه‌ها و انگیزه‌های اسیدپاشی در بستر مناسبات جنسیتی و نابرابری‌های اجتماعی»، مجله تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی، شماره ۴، ص ۲۳؛ این موضوع در تحقیقات دیگر کشورها از جمله هند نیز مورد تأکید پژوهشگران قرار گرفته است:

Kumar, Vidhik (2021). Acid Attacks in India: A Socio-Legal Report, Dignity, Volume 6.

۲. از این پس به اختصار عنوان قانون این‌گونه ذکر می‌شود: قانون تشدید مجازات اسیدپاشی

پیشگیری از آن با نگاهی بر قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲» و «نقدی بر کیفر تعیین شده برای جرم اسیدپاشی» انجام شد. اما بعد از تصویب این قانون و خصوصاً تصویب قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در سال ۱۳۹۹ که اثرات مهمی در مجازات‌های تعیین شده در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی داشت، تحقیق جامعی راجع به سیاست کیفری حاکم بر آن و تحلیل ارکان این بزه و سایر تأسیسات حقوق کیفری انجام نشده است. تنها مقاله مرتبط «جرم اسیدپاشی در بستر تحولات قانونی با نگاهی به قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن مصوب سال ۱۳۹۸» تألیف محمد آشوری و نگین حقیقت است که در این مقاله هر دو بُعد تحلیل ارکان و جنبه بزه‌دیده‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است؛ لیکن مباحث مربوط به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری و سایر تأسیسات قانون مجازات اسلامی مغفول مانده است. همچنین در کتاب‌های حقوق کیفری اختصاصی (جنایات) نویسندگان به صورت مختصر به تحلیل ارکان بزه اسیدپاشی و مجازات این رفتار پرداخته‌اند.

هدف از پژوهش حاضر در گام نخست تحلیل ارکان تشکیل دهنده این بزه در پرتو قانون جدید التصویب است. در ادامه سیاست کیفری حاکم بر آن مورد بررسی قرار می‌گیرد. بر این اساس پژوهش حاضر در مقام پاسخ به این سوالات است: چه رفتارهایی به عنوان رفتار فیزیکی در «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن» مصوب ۱۳۹۸ پیش‌بینی شده است؟ این جرم در زمره جرایم مطلق است یا مقید؟ برای تحقق آن صرف سوءنیت عام کافی است یا سوءنیت خاص نیز ضروری است؟ امکان اجرای قصاص عضو یا منفعت در جرم اسیدپاشی وجود دارد یا خیر؟ آیا اساساً قانون‌گذار در تصویب این قانون از سیاست کیفری خاصی پیروی و اقدام به جرم‌انگاری و تعیین مجازات کرده است؟

۱. ارکان بزه اسیدپاشی

۱-۱. رکن قانونی

جرم‌انگاری تصمیم مرجع صلاحیت‌دار در تعیین اعلام ممنوعیت یا الزام‌آور بودن انجام یک رفتار است که انجام یا ترک آن با ضمانت اجرای کیفری همراه است (عارفی، ۱۴۰۰، ص ۴). مطابق با «اصل قانونی بودن جرم و مجازات^۱»، جرم‌انگاری یک رفتار و متعاقباً تعیین مجازات نیازمند تصریح پیشینی قانون‌گذار است که از آن به رکن قانونی تعبیر می‌شود. این مهم در اصول ۳۶ و ۲۱۶۶ قانون اساسی و ماده ۳۲ ق.م.ا.مورد تأکید قرار گرفته است (عارفی، ۱۴۰۱، ص ۱۲). بنابراین یک عمل هر چند به لحاظ اخلاقی مذموم و آثار زیان‌باری برای جامعه داشته باشد، تا زمانی که توسط قانون‌گذار به عنوان یک عمل مجرمانه تشخیص داده نشده و مجازاتی برای آن تعیین نشده باشد جرم محسوب نمی‌شود (الهام و برهانی، ۱۴۰۱، ص ۸۷). بر این اساس قانون‌گذار با تصویب «قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه دیدگان ناشی از آن» مصوب ۱۳۹۸، عنصر قانونی این بزه را مشخص کرده است.

۱-۲. رکن مادی

مقصود از رکن مادی تجلی اراده مرتکب در عالم خارج به صورت فعل یا ترک فعل است. در بحث از رکن مادی افزون بر رفتار مجرمانه، موضوع جرم، نتیجه مجرمانه، وسیله ارتکاب جرم، رابطه سببیت، زمان و مکان ارتکاب جرم و همچنین شخصیت بزه‌کار و بزه‌دیده نیز مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. از آنجا که در جرم اسیدپاشی مواردی همچون زمان،

1. The Legality of Crime and Punishment

۲. اصل ۱۶۶ قانون اساسی: احکام دادگاه‌ها باید مستندل و مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن حکم صادر شده است.

۳. ماده ۲ ق.م.ا.م: هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای مجازات تعیین شده است، جرم محسوب می‌شود.

مکان، شخصیت بزه‌کار و بزه‌دیده موضوعیت ندارد لذا در ادامه طی چهار بند رفتار فیزیکی، موضوع، نتیجه و وسیله ارتکاب این جرم مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۱-۲-۱. رفتار فیزیکی

رفتار فیزیکی لازم برای تحقق این جرم عبارتست از «پاشیدن». در کنار این رفتار «ریختن» اسید یا «فروبردن» اعضای بدن بزه‌دیده در اسید نیز به موجب تبصره (۱) ماده (۱) به عنوان اعمال در حکم اسیدپاشی محسوب شده است. افزون بر این، قانون‌گذار با استفاده از عبارت «و اعمالی نظیر آن» در تبصره (۱) ماده (۱) اعمالی همچون تزریق اسید به داخل بدن بزه‌دیده یا پرتاب ظرف حاوی اسید را نیز در حکم اسیدپاشی قلمداد کرده است. همچنین اگر شخصی گودالی حفر نموده و آن را مملو از اسید و ترکیبات شیمیایی نماید و دیگری را در آن پرتاب نماید یا هل دهد و موجب جنایت شود، این رفتار مرتکب نیز مصداق اسیدپاشی و در حکم آن است.

علاوه بر این، به اعتقاد برخی از نویسندگان مطابق تفسیر منطقی و غایی، رفتارهایی همچون خوراندن یا فرو کردن اعضای بدن مجنی‌علیه در اسید را هم بایستی مترادف پاشیدن محسوب کرد (زندى و اوجاقلو، ۱۳۹۵، ص ۵۶). در مقابل برخی از نویسندگان با تأکید بر واژه «پاشیدن» از یک سو و عبارت «تغییر شکل دائمی صورت» که در بند (الف) ماده ۲ بیان شده است اعتقاد دارند خوراندن یا تزریق اسید به دیگری که منتهی به صدمات به اعضای داخلی یا مرگ شود مشمول این قانون نیست (آقائی‌نیا، ۱۳۹۹، ص ۳۹۱ / میرمحمد صادقی، ۱۳۹۹، ص ۳۱۳). به نظر می‌رسد تقیید شمول این قانون به مواردی که صرفاً اندام ظاهری و بیرونی فرد بزه‌دیده را مورد آسیب قرار دهد با منطق حقوقی سازگار نیست؛ زیرا اولاً این تفسیر با کاربرد عبارت «و اعمالی نظیر آن» در تبصره (۱) ماده (۱) همخوانی ندارد. به ویژه این عبارت در قانون مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷ نظیر نداشت و قانون‌گذار این تبصره را در قانون سال ۱۳۹۸ اضافه کرده است؛ گویی با

این کار قصد مقابله با کلیه رفتارهای فیزیکی‌ای را داشته که با ابزار اسید به وقوع می‌پیوندد. ثانیاً: از جمع مواد (۱) و (۲) قانون تشدید اسیدپاشی مشخص می‌شود که ایراد جنایت بر منفعت نیز برای شمول این قانون به رفتار مرتکب کافی است؛ در حالی که جنایت بر منفعت در اغلب موارد، عینی و بیرونی و ناظر به اندام ظاهری نیست لذا مطابق نظر اخیرالذکر چنانچه مرتکب با تزریق اسید به داخل بدن دیگری موجب آسیب به یکی از منافع حیاتی وی شود، بی‌آنکه ظاهر عضو آسیب ببیند، از شمول این ماده بایستی خارج باشد که ضعف این نظریه آشکار و واضح است. ثالثاً: چنانچه شخصی اقدام به تزریق اسید به صورت یا یکی از اندام‌های ظاهری بدن بزه‌دیده کند نباید این رفتار را اسیدپاشی محسوب کرد؛ زیرا تزریق در زمره رفتارهای فیزیکی اسیدپاشی محسوب نمی‌شود. از سوی دیگر اندام ظاهری و بیرونی بزه‌دیده مورد آسیب قرار گرفته است که ضعف این نظریه آشکار است. رابعاً: یکی از پیام‌های این قانون که در عنوان منعکس شده است، حمایت از بزه‌دیدگان است. با پذیرش نظر فوق، این مهم نیز تحقق نخواهد یافت.

جرم اسیدپاشی در زمره جرایم آنی و ساده است و رفتارهای مصداق این قانون نیز به صورت «فعل^۱» تحقق می‌یابند.

رکن مادی بزه اسیدپاشی چنانچه مشمول عنوان افساد فی الارض [ماده ۲۸۶ ق.م.ا.] شود، حسب تبصره ۲ ماده یک قانون تشدید مجازات اسیدپاشی از شمول این قانون خارج بوده و تمامی عناصر آن اعم از قانونی و مادی و معنوی به موجب ماده اخیرالذکر تعیین خواهد شد. از آنجا که ماده ۲۸۶ به لحاظ رکن مادی و معنوی هویت مستقلی ندارد و در عنوان وابسته به سایر عناوین کیفری است، نزدیک‌ترین رفتار به جرم موضوع قانون تشدید مجازات اسیدپاشی آن است که شخصی با استفاده از اسید یا سایر ترکیبات شیمیایی مرتکب جنایت علیه تمامیت جسمانی اشخاص شود. بدیهی است که احراز چنین عنوانی

1. Act

منوط به رعایت شرایط مذکور در ماده ۲۸۶ از جمله گستردگی این جنایت و اخلال شدید در نظم عمومی یا ناامنی و قصد مرتکب مبنی بر اخلال گسترده است.

۲-۲-۱. موضوع

موضوع این جرم انسان است و پاشیدن اسید بر روی اشیاء یا حیوانات هر چند موجب ورود خسارت شدید به مالک اتومبیل یا حیوان شود مشمول این عنوان نخواهد بود. به رغم عدم تصریح قانون‌گذار، این رفتار بایستی بر روی انسان زنده انجام شود (زراعت، ۱۳۹۴، ص ۲۵۰) و پاشیدن اسید به روی میت مصداق جنایت بر میت است که مطابق ماده ۷۲۲ یا ۷۲۳ ق.م.ا قابل مجازات است.

۳-۲-۱. نتیجه

اسیدپاشی در زمره جرایم مقید به نتیجه است. در واقع صرف پاشیدن اسید برای تحقق این جرم کافی نیست و این رفتار یا رفتارهای مشابه دیگر بایستی منتهی به جنایت بر نفس، عضو یا منفعت شود. بنابراین در صورتی که اسیدپاشی منتهی به نتایج فوق نشود و مثلاً به دلیل عدم مهارت بزهکار یا سرعت عمل بزه‌دیده، اسید روی زمین یا شیء ای بی‌پاشد (جرم عقیم) رفتار وی در حکم شروع به جرم و مستند به تبصره ماده ۱۲۲ ق.م.ا، قابل مجازات خواهد بود.^۱ همچنین اگر رفتار مرتکب پس از ورود به عملیات اجرایی در مرحله شروع جرم به دلیل عامل خارج از اراده وی معلق بماند رفتار مرتکب مشمول ماده ۱۲۲ ق.م.ا می‌باشد (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۹، ص ۳۱۳).

۴-۲-۱. رابطه سببیت

همان‌گونه که در بند قبل بیان شد جرم اسیدپاشی جرم مقید به نتیجه است. بر این اساس

۱. هر چند این تبصره ناظر به جرم محال است لیکن با تمسک به قیاس اولویت می‌توان گفت که جرم عقیم نیز به دلیل آنکه حالت خطرناک بیشتری نسبت به جرم محال دارد در حکم شروع به جرم است و به استناد تبصره ماده ۱۲۲ قابل مجازات است.

بایستی میان رفتار مرتکب این جرم با نتیجه مجرمانه رابطه سببیت احراز شود. به دیگر سخن، مقام قضایی مکلف است استناد نتیجه به رفتار مرتکب را اثبات نماید و در فرض دخالت چند نفر در وقوع این جرم به صورت شرکت در جرم، دقیقاً باید مشخص شود که رفتار کدامیک از افراد، منتهی به نتیجه حاصله شده است.

۵-۲-۱. وسیله

جرم اسیدپاشی از جمله جرایم مقید به وسیله است. «اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی» فارغ از میزان غلظت به عنوان وسیله ارتکاب این جرم محسوب می‌شود. بنابراین در عمل این موضوع مهم و قابل توجه است که برای ارتکاب بزه حتماً نیاز به استفاده از اسید به معنای خاص آن نیست و سایر ترکیبات شیمیایی نیز که موجب جنایت گردد مشمول این قانون خواهد شد. برای شناسایی ترکیبات شیمیایی استفاده شده در ارتکاب جرم، فرمول و قاعده خاصی بیان نشده است. به نظر می‌رسد این نتیجه عمل است که مشخص می‌کند آیا مرتکب از ترکیبات شیمیایی دارای خاصیت اسیدی استفاده نموده است یا خیر. طبیعتاً استفاده از نظر کارشناس در خصوص ترکیبات به کار رفته در ماده شیمیایی و نظریه پزشکی قانونی در خصوص نوع اثر به جای مانده از آن در جسم بزه دیده می‌تواند راه گشا باشد و در فرض تردید در شمول عنوان اسید یا هر ترکیب شیمیایی دیگر که خاصیتی مشابه با اسید داشته باشد ارجاع امر به کارشناس ضروری است.

۳-۱. رکن معنوی

رکن روانی این جرم متشکل از سوءنیت عام و علم مرتکب به موضوع جرم است. در واقع مرتکب بایستی رفتار فیزیکی لازم برای تحقق این جرم را عامدانه و ارادی انجام دهد که طبیعتاً این امر مستلزم علم وی به ماهیت مایع مورد استفاده است و قانون‌گذار این امر را با کاربرد واژه «عمداً» در صدر ماده (۱) قانون تشدید اسیدپاشی مورد تأکید قرار داده است. لیکن اثبات سوءنیت خاص (قصد ایراد جنایت به نفس، عضو یا منفعت) در تحقق این جرم

ضروری نیست و مستند به ماده ۱۴۴ و بند (ب) ماده ۲۹۰ ق.م.ا، صرف علم مرتکب به اینکه رفتار وی منجر به جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد برای مسئول دانستن وی کفایت می‌کند. به دیگر سخن، در صورت علم مرتکب به اسید بودن مایعی که در دست وی است علم وی به آثار و پیامد رفتار ارتكابی نیز مفروض و اثبات خلاف آن دشوار است. همچنین با وحدت ملاک از مواد ۲۹۳ و ۵۴۰ ق.م.ا که ناظر به فرضی است که شخصی قصد جنایت کمتر را دارد و قصد جنایت بزرگ‌تر را ندارد و حکم قضیه در خصوص جنایت بیشتر غیر عمدی و مستوجب پرداخت دیه و در خصوص جنایت کمتر عمدی محسوب می‌شود، می‌توان گفت در فرضی که هدف مرتکب مصدوم کردن مجنی‌علیه است و فعل او نیز غالباً کشنده نیست، لیکن اتفاقاً موجب مرگ وی می‌شود اولیای دم می‌توانند نسبت به جنایت کمتر از نفس که مصداق جنایت عمدی است مرتکب را قصاص عضو کرده و نسبت به قتل دیه نفس را مطالبه کنند (بای، ۱۳۹۲، ص ۹۸) که ظاهراً در این فرض مقدار دیه عضوی که از جانی قصاص شده است در دیه نفس محاسبه و از آن کسر خواهد شد. اشتباه در هدف از سوی اسیدپاش چنانچه منجر به وقوع جنایتی شود مستند به بند (پ)

۱. ماده ۱۴۴: در جرایمی که وقوع آنها بر اساس قانون منوط به تحقق نتیجه است قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود.
۲. ماده ۲۹۰: جنایت در موارد زیر عمدی محسوب می‌شود: ... ب: هر گاه مرتکب عمداً کاری انجام دهد که نوعاً موجب جنایت واقع شده یا نظیر آن می‌گردد هر چند قصد ارتکاب آن جنایت و نظیر آن را نداشته باشد ولی آگاه و متوجه بوده که آن کار نوعاً موجب آن جنایت یا نظیر آن می‌شود.
۳. ماده ۲۹۳: هرگاه فردی مرتکب جنایت عمدی گردد لکن نتیجه رفتار ارتكابی، بیشتر از مقصود وی واقع شود، چنانچه جنایت واقع شده، مشمول تعریف جنایات عمدی نشود، نسبت به جنایت کمتر، عمدی و نسبت به جنایت بیشتر، شبه‌عمدی محسوب می‌شود، مانند آن که انگشت کسی را قطع کند و به سبب آن دست وی قطع شود و یا فوت کند که نسبت به قطع انگشت عمدی و نسبت به قطع دست و یا فوت شبه‌عمدی است.
۴. هرگاه صدمه وارده عمدی باشد و نوعاً کشنده یا موجب قطع عضو یا آسیب بیشتر نباشد لکن اتفاقاً سرایت کند، علاوه بر حق قصاص یا دیه، نسبت به جنایت عمدی کمتر، حسب مورد دیه جنایت بیشتر نیز باید پرداخت شود مانند این که شخصی عمداً انگشت دیگری را قطع کند و اتفاقاً این قطع سرایت کند و موجب فوت مجنی‌علیه یا قطع دست او گردد، علاوه بر حق قصاص یا دیه انگشت، حسب مورد دیه نفس یا دیه دست مجنی‌علیه نیز باید پرداخت شود.

ماده ۲۹۲ ق.م.ا از شمول عمد خارج خواهد بود (آقائی نیا، ۱۳۹۹، ص ۳۹۲) لیکن اشتباه در هویت مستند به ماده ۲۹۴ ق.م.ا مانعی برای عمدی دانستن جنایت محسوب نخواهد شد. لیکن اگر کسی قصد این را داشته باشد که اسید را بر روی صورت دیگری بپاشد لیکن به دلیل عدم مهارت یا سرعت عمل بزه دیده، اسید روی دست یا بدن وی بپاشد این رفتار مصداق اشتباه در هدف محسوب نخواهد شد؛ به دیگر سخن نمی توان اشتباه در عضو را اشتباه در هدف تلقی و جنایت ارتكابی را غیر عمد محسوب نمود (همان، ص ۳۹۳).

همچنین اگر (الف) با اعتقاد صادقانه لیکن اشتباه به این که (ب) مرتکب جرم زنا یا به عنف شده و با پاشیدن اسید به وی مرتکب قتل عمدی وی شود مستند به مواد ۳۰۳ ق.م.ا و ماده (۲) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، علاوه بر دیه، به حبس تعزیری درجه یک محکوم خواهد شد.

۲. واکنش در قبال اسیدپاشی

قانون گذار در ماده ۱۴ ق.م.ا، چهار نوع مجازات برای اشخاص حقیقی تعیین نموده که عبارتند از حد، قصاص، دیه و تعزیر که از این چهار نوع مجازات، همگی در قانون تشدید مجازات اسیدپاشی ذکر شده است^۱ و مجازات دوم و سوم (دیه و تعزیر) با یکدیگر قابل جمع هستند و در صورتی مورد حکم قرار می گیرند که مجازات قانونی رفتار مرتکب قصاص نباشد یا آنکه قصاص اجرا نشود.

۲-۱. امکان یا عدم امکان اجرای قصاص عضو یا قصاص منفعت

مطابق موازین فقهی ایراد جراحت مستلزم قصاص است (و الجروح قصاص^۲) لیکن قانون مجازات اسلامی در ماده ۳۹۳ به تبعیت از فقها برای صدور حکم به قصاص عضو یا منفعت

۱. در صورتی که رفتار مرتکب به موجب تبصره (۲) ماده (۱) قانون تشدید اسیدپاشی مصداق افساد فی الأرض باشد مرتکب به موجب ماده ۲۸۶ ق.م.ا، به اعدام محکوم خواهد شد که در این صورت، مجازات اعمالی مصداق حد است.

۲. آیه ۴۵ سوره مائده.

و اجرای آن رعایت شرایطی را لازم دانسته است^۱ که این امر در انتهای ماده یک قانون تشدید اسیدپاشی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

در خصوص اجرای مجازات قصاص نفس در جرم اسیدپاشی شاید چندان مشکلی وجود نداشته باشد لیکن چالش برانگیزترین بحث در خصوص قصاص عضو یا قصاص منفعت است که مماثلت و شرایط ماده ۳۹۳ بایستی رعایت شود. قانون‌گذار به رغم آنکه امکان اجرای قصاص اعم از نفس، عضو یا منفعت را پذیرفته است لیکن اجرای آن را در جرم اسیدپاشی منوط به رعایت شرایط عمومی قصاص از جمله قصاص عضو دانسته است. هر چند که به اعتقاد برخی نویسندگان، قول به جواز قصاص در جرم اسیدپاشی با این مشکل اساسی روبروست که در انجام قصاص با روش متعارف (پاشیدن)، چون تساوی در میزان انتشار، وابسته به برابری در شدت و جهت پاشیدن است و این برابری به هیچ وجه قابل سنجش و اندازه‌گیری نیست نمی‌توان به جواز قصاص به عنوان مجازات برای جرم اسیدپاشی حکم کرد (نظری توکلی و کراچیان ثانی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۶).

مطابق نظر فقها یکی از شرایط اجرای قصاص عضو آن است که جراحت مضبوط باشد یعنی اندازه‌گیری دقیق زخم ممکن باشد و محل قصاص به اندازه جراحت وارد شده باشد. به همین دلیل، فقهای امامیه و بیشتر فقهای اهل سنت بر این عقیده‌اند که در جراحات هاشمه، منقله، مأمومه و دامغه قصاص جایز نیست و تنها دریافت دیه یا ارش ممکن است. این گزاره در خصوص اسیدپاشی نیز صدق می‌کند چرا که ماهیت جنایت اسیدپاشی به گونه‌ای است که امکان مماثلت در آن وجود ندارد و با انتقای مماثلت، مجالی برای قصاص باقی نمی‌ماند (همان: ۱۲۸)؛ همان‌گونه که در پرونده خانم آمنه بهرامی نوا، پزشکی

۱. ماده ۳۹۳: در قصاص عضو، علاوه بر شرایط عمومی قصاص، شرایط زیر با تفصیلی که در این قانون بیان می‌شود، باید رعایت شود: الف- محل عضو مورد قصاص، با مورد جنایت یکی باشد. ب- قصاص با مقدار جنایت، مساوی باشد. پ- خوف تلف مرتکب یا صدمه بر عضو دیگر نباشد. ت- قصاص عضو سالم، در مقابل عضو ناسالم نباشد. ث- قصاص عضو اصلی، در مقابل عضو غیراصلی نباشد. ج- قصاص عضو کامل در مقابل عضو ناقص نباشد.

قانونی در خصوص عدم امکان قصاص اسیدپاش چنين اظهارنظر کرده است: «نامبرده (بزه‌دیده) به طور کامل نایبنا می‌باشد و از نظر پزشکی قانونی قصاص میسر نمی‌باشد» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۲، ص ۲۳).

اما در مقابل برخی از فقها همچون محقق حلی، شیخ طوسی و علامه حلی بر این عقیده هستند که چون در اصل جراحت قصاص ثابت است هر گاه جراحت مضبوط نباشد گرچه قصاص کامل ممکن نیست اما قصاص در کمتر از میزان جنایت جایز خواهد بود. بنابراین در این صورت به میزان کمتر، قصاص می‌شود و نسبت به مازاد ارزش گرفته می‌شود (علامه حلی، ۱۴۲۰، صص ۵۰۷ و ۵۰۸ / طوسی، ۱۳۸۷، ص ۷۶ / محقق حلی، ۱۴۰۸، ص ۲۲۰ به نقل از نظری توکلی و کراچیان ثانی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۴).

در این راستا برخی از نویسندگان بیان می‌دارند در موارد اسیدپاشی، مجنی‌علیه یا حسب مورد، ولی او می‌تواند برای اطمینان از اینکه قصاص بیشتر از جنایت صورت نگیرد جانی را به مقداری کمتر از جنایت قصاص کند. به عنوان مثال اگر وسعت جنایت در ابعادی به اندازه ۵ در ۱۰ سانتی‌متر است ابعاد قصاص ۴ در ۸ سانتی‌متر تعیین شود تا محذور تجاوز از حد و بیشتر شدن قصاص از جنایت مانع استیفای حق قصاص نشود (بای، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱).

آنچه موید این دیدگاه است ماده ۴۰۰ ق.م.ا است که بیان می‌دارد: «اگر رعایت تساوی در طول و عرض و عمق جنایت، ممکن نباشد و قصاص به مقدار کمتر ممکن باشد مجنی‌علیه می‌تواند به قصاص کمتر، اکتفاء کند و مابه‌التفاوت را ارزش مطالبه نماید و یا با رضایت جانی دیه جنایت را بگیرد».

هر چند برخی نویسندگان این دیدگاه را قبول ندارند و قیاس این حالت با فرضی که برخی از فقها این اختیار را برای مجنی‌علیه قائل شده‌اند تا به قصاص جراحت کمتر از مورد جنایت رضایت بدهد و معادل تفاوت آن دو جنایت را دیه بگیرد نادرست می‌دانند به این

دلیل که موضوع نظر آن دسته از فقها، تنزل از یک عنوان به عنوانی پایین‌تر در جنایت است اما تغییر مساحت جنایت در قصاص با حفظ همان عنوان قبلی بر خلاف اصل مماثلت است و نیاز به دلیل خاص دارد (نظری توکلی و کراچیان ثانی، ۱۳۹۹، ص ۱۲۷). در پاسخ می‌توان گفت قسمت اخیر ماده ۴۰۱ ق.م.ا که بیان می‌دارد در هر مورد که خطر تجاوز در قصاص عضو یا منافع وجود داشته باشد نیز قصاص ساقط است به وسیله ماده ۴۰۰ تخصیص زده شده است. به دیگر سخن در فرضی که خطر تجاوز در قصاص عضو به دلیل عدم امکان رعایت تساوی در طول و عرض و عمق جنایت وجود داشته باشد قصاص نسبت به مقدار کمتر امکان‌پذیر است.

۲-۲. مجازات مباشر / مسبب

چنانچه شخص به تنهایی مرتکب جنایت بر بزه‌دیده شود اعم از آنکه رفتار وی مصداق مباشرت باشد یا تسبیب اصل بر آن است که وی بر حسب آسیب وارده و با رعایت شرایط مذکور در مواد ۳۰۱، ۳۸۱، ۳۸۶، ۳۸۷ و ۳۹۳ ق.م.ا به قصاص نفس، عضو یا منفعت محکوم شود.

اما چنانچه به تعبیر ماده (۲) قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، مجازات قانونی قصاص نباشد یا قصاص به هر دلیل اجرا نشود^۱ نوبت به تعیین دیه و حبس تعزیری می‌رسد. این

۱. منظور از این قسمت از ماده ۲ (مجازات قانونی قصاص نباشد یا به هر دلیل اجرا نشود) آن است که شرایط عمومی قصاص مذکور در ماده ۳۰۱ ق.م.ا یا شرایط اختصاصی قصاص عضو مذکور در ماده ۳۹۳ ق.م.ا وجود نداشته باشد که ماده ۴۰۱ ق.م.ا نیز به نوعی بر این موضوع تأکید می‌کند یا آنکه میان بزه‌دیده / اولیای دم با بزه‌کار صلح بلاعوض یا مع‌العوض انجام شود. همچنین مصداق دیگر مربوط به فروض مطرح در ماده ۳۰۲ ق.م.ا است. بر این اساس اگر حسن مرتکب قتل عمدی حسین شده باشد و جعفر که تنها ولی‌دم حسین است با پاشیدن اسید به حسن منجر به فوت وی شود مجازات جعفر ناظر به بند (پ) ماده ۳۰۲ ق.م.ا قصاص نخواهد بود و تعزیر وی نیز به دلیل وجود قانون خاص بر اساس بند (الف) ماده (۲) قانون تشدید اسیدپاشی تعیین خواهد شد نه منطبق بر ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات ۱۳۷۵. مصداق چهارم ناظر به قسمت اخیر ماده ۳۰۳ ق.م.ا است که شخصی با اعتقاد صادقانه ولو اشتباه مرتکب قتل یا آسیب به عضو از طریق اسید شود که در این صورت علاوه بر دیه مشمول بند (الف) ماده (۲) قانون تشدید

ماده بیان می‌دارد: «هرگاه شخصی مرتکب جرم موضوع این قانون شود و مجازات آن قصاص نباشد یا به هر علتی مانند مصالحه اولیای دم، قصاص اجراء نشود، مرتکب علاوه بر پرداخت دیه یا ازش یا وجه‌المصالحه حسب مورد مطابق مقررات مربوطه، به ترتیب زیر مجازات می‌شود: الف- در جنایت بر نفس و جنایت منجر به تغییر شکل دائمی صورت بزه‌دیده به حبس تعزیری درجه یک^۱؛ ب- در جنایتی که میزان دیه آن بیش از نصف دیه کامل^۲ باشد، به حبس تعزیری درجه دو؛ پ- در جنایتی که میزان دیه آن از یک سوم تا نصف دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه سه؛ ت- در جنایتی که میزان دیه آن تا یک سوم دیه کامل^۳ باشد، به حبس تعزیری درجه چهار».

به طور مثال در بند الف ماده ۲ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی در صورت جنایت بر نفس و همچنین جنایتی که منجر به تغییر شکل دائمی صورت بزه‌دیده شود، حبس تعزیری درجه یک (حبس بیش از ۲۵ سال) تعیین شده که در نوع خود منحصر به فرد است. علت اتخاذ چنین رویکرد سختگیرانه‌ای، وسیله ارتکاب بزه و آثار ناشی از آن است که قانون‌گذار را مجبور به تعیین شدیدترین درجه کیفر تعزیری نموده است. این در حالی است که در

اسیدپاشی می‌شود. به نظر می‌رسد حتی در صورت اثبات مهدورالدم بودن بزه‌دیده از سوی مرتکب صرفاً قصاص و دیه به استناد صدر ماده ۳۰۲ از وی ساقط می‌شود و وی کماکان مشمول بند (الف) ماده (۲) قانون تشدید اسیدپاشی خواهد بود. مصداق پنجم در فرض فرار مرتکب اتفاق می‌افتد.

۱. در ماده (۹۲) لایحه تعزیرات که توسط معاونت حقوقی و امور مجلس (نسخه آبان ۱۴۰۱) تهیه شده است در خصوص بند (الف) حبس درجه یک تا سی سال تعیین شده بود.

۲. معیار دیه کامل با ایراد روبه‌رو است چرا که مطابق ماده ۵۵۰ ق.م.ا، دیه قتل زن، نصف دیه مرد است؛ بهتر بود قانون‌گذار به جای این عبارت و معیار، میزان دیه «بزه‌دیده» را ملاک تعیین حبس تعزیری قرار می‌داد و عبارت مذکور در این ماده این‌گونه نوشته می‌شد: در جنایتی که میزان دیه آن بیش از نصف دیه بزه‌دیده باشد به حبس تعزیری درجه دو.

۳. ایراد مذکور در این بند واضح است چرا که مشخص نیست جنایات مستلزم یک سوم دیه مشمول بند (ت) است یا (پ). در بند (ت) لایحه تعزیرات این ایراد وجود ندارد و در بند (ت)، به جای «تا» یک سوم دیه، عبارت «کمتر از» ثلث دیه کامل ذکر شده است.

قتل عمدی با سایر وسایل و به هر شیوه (مثلاً قتل با سلاح گرم یا بریدن سر با سلاح سرد) که به هر علت منتهی به قصاص نشود، حسب ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، دادگاه مرتکب را می‌تواند به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌کند آن هم مشروط به آن که اقدام مرتکب موجب اخلال در نظم و صیانت جامعه شود یا بیم تجزّی مرتکب یا دیگران گردد. بنابراین در قتل با سایر وسایل غیر از اسید و ترکیبات شیمیایی در صورت عدم اجرای قصاص، مرتکب حداکثر به حبس تعزیری درجه ۴ محکوم خواهد شد که با عنایت به تبصره الحاقی به ماده ۱۸ ق.م.ا، این مدت در حالت عادی سه سال خواهد بود مگر آنکه مقام قضایی بتواند عدول از حداقل مجازات مقرر قانونی را توجیه کند.

نکته قابل توجه دیگر از رهگذر مقایسه بندهای ب، پ و ت ماده ۱۲ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی با ماده ۲۶۱۲ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ به دست می‌آید؛ با این توضیح که اگر شخص مرتکب قتل عمدی با وسیله‌ای غیر از اسید گردد و قصاص اجرا نشود حداکثر حبس وی ۱۰ سال خواهد بود ولی اگر مرتکب از اسید استفاده نماید حتی اگر رفتار وی منتهی به فوت بزه‌دیده نشود، بر حسب میزان دیه به حبس تعزیری درجه دو تا چهار محکوم می‌شود. به دیگر سخن، مجازات قانونی قتل عمد بدون استفاده از اسید یا سایر ترکیبات شیمیایی از حیث درجه همسان ورود آسیب به بزه‌دیده به اندازه یک سوم دیه

۱. ماده ۲ قانون تشدید اسیدپاشی: هرگاه شخصی مرتکب جرم موضوع این قانون شود و مجازات آن قصاص نباشد یا به هر علتی مانند مصالحه اولیای دم، قصاص اجرا نشود، مرتکب علاوه بر پرداخت دیه یا ارش یا وجه‌المصلحه حسب مورد مطابق مقررات مربوطه، به ترتیب زیر مجازات می‌شود:

الف- در جنایت بر نفس و جنایت منجر به تغییر شکل دائمی صورت بزه‌دیده به حبس تعزیری درجه یک.

ب- در جنایتی که میزان دیه آن بیش از نصف دیه کامل باشد، به حبس تعزیری درجه دو.

پ- در جنایتی که میزان دیه آن از یک سوم تا نصف دیه کامل باشد به حبس تعزیری درجه سه.

ت- در جنایتی که میزان دیه آن تا یک سوم دیه کامل باشد به حبس تعزیری درجه چهار.

۲. ماده ۶۱۲ مقرر می‌دارد: هرکس مرتکب قتل عمدی شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا به هر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجزی مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می‌نماید.

کامل است.^۱ با این توضیح آشکار می‌گردد که حداقل مجازات ایراد جنایت از طریق اسید به بزه‌دیده حتی به میزان نیم درصد دیه کامل بیشتر از حداقل مجازات قتل با وسایلی غیر از اسید است.

بنابراین اگرچه بزه اسیدپاشی رفتاری شنیع، غیرانسانی و به شدت مذموم است اما این میزان از عدم سنخیت مجازات در مقایسه با مجازات مذکور در ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ به نظر غیرمنطقی می‌رسد و گویای قانون‌گذاری احساسی متعاقب وقوع جرائم ناشی از اسیدپاشی در سطح جامعه می‌باشد.

۲-۳. مجازات شریک

چنانچه دو نفر به نحو شرکت در جرم، مرتکب اسیدپاشی و جنایت بر بزه‌دیده شوند بر حسب نوع جنایت و آسیب وارده، مجازات متفاوت خواهد بود. با این توضیح که اگر مجازات قانونی رفتار شرکای قصاص نباشد یا آنکه به هر دلیل قصاص اجرا نشود شرکاء در جنایت بالمناصفه عهده‌دار پرداخت دیه، ارش یا وجه‌المصالحه خواهند بود (مواد ۲۴۵۳، ۲۵۲۶ و ۵۳۳ ق.م.ا.) و مستقلاً مجازات تعزیری را تحمل می‌نمایند (ماده ۱۲۵ ق.م.ا.).

۱. قید «همسان» مسامحتاً در این عبارت به کار رفته است چرا که حداقل مجازات حبس مذکور در ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، سه سال است لیکن حداقل حبس مذکور در بند (ت) ماده ۲ قانون تشدید اسیدپاشی، بیش از پنج سال حبس است.

۲. ماده ۴۵۳: هرگاه دو یا چند نفر به نحو اشتراك مرتکب جنایت موجب دیه گردند، حسب مورد هر يك از شرکا یا عاقله آن‌ها به‌طور مساوي مكلف به پرداخت دیه است.

۳. ماده ۵۲۶: هرگاه دو یا چند عامل، برخي به مباشرت و بعضي به تسبیب در وقوع جنایتي، تأثیر داشته باشند، عاملي که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به‌طور مساوي ضامن مي‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هر يك به میزان تأثیر رفتارشان مسؤول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است.

۴. ماده ۵۳۳: هرگاه دو یا چند نفر به نحو شرکت سبب وقوع جنایت یا خسارتي بر دیگری گردند به‌طوري که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد، به‌طور مساوي ضامن مي‌باشند.

۵. ماده ۱۲۵: هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرائي جرمي مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هر يك به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوي باشد خواه

اما چنانچه رفتار ارتكابی منتهی به فوت بزه‌دیده شود و اولیاءدم قصد استیفای قصاص از دو شریك را داشته باشند بایستی مطابق قواعد عمومی، پیش از اجرای قصاص دیه مازاد بر جنایت را به قصاص‌شوندگان بپردازند و چنانچه صرفاً قصد اجرای قصاص علیه یکی از دو نفر را داشته باشند شریك دیگر باید بلافاصله سهم خود از دیه را به قصاص‌شونده بپردازد (ماده ۳۷۳ ق.م.ا). در این فرص ابهامی که ایجاد می‌شود این است آیا شریکی که قصاص نمی‌شود مشمول مجازات تعزیری مقرر در ماده (۲) قانون تشدید اسیدپاشی قرار می‌گیرد یا خیر؟ همین سوال در فرضی که یکی از شرکاء در جنایت قتل عمد قصاص نشود جاری است که آیا وی مشمول ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ می‌شود یا خیر؟ به نظر نگارنده در هر دو فرض پاسخ مثبت است و شریکی که قصاص نمی‌شود افزون بر آنکه بایستی سهم خود از دیه را به قصاص‌شونده بپردازد مجازات تعزیری مقرر در ماده ۲ قانون تشدید اسیدپاشی^۲ یا ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات ۱۳۷۵ را تحمل خواهد نمود.

همچنین اگر رفتار ارتكابی منتهی به آسیب به عضو شود و حکم به قصاص عضو صادر شود و بزه‌دیده قصد استیفای قصاص عضو دو شریك را داشته باشد مطابق ماده ۳۷۳ ق.م.ا عمل می‌شود؛ با این توضیح که چنانچه بزه‌دیده بخواهد یکی از شرکاء را قصاص کند

متفاوت، شریك در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرایم غیرعمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران، شریك در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هر يك از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است.

۱. ماده ۳۷۳: در موارد شرکت در جنایت عمدی، حسب مورد، مجنی علیه یا ولی دم می‌تواند یکی از شرکاء در جنایت عمدی را قصاص کند و دیگران باید بلافاصله سهم خود از دیه را به قصاص‌شونده بپردازند و یا اینکه همه شرکاء یا بیش از یکی از آنان را قصاص کند، مشروط بر این که دیه مازاد بر جنایت پدیدآمده را پیش از قصاص، به قصاص‌شوندگان بپردازد. اگر قصاص‌شوندگان همه شرکاء نباشند، هر يك از شرکاء که قصاص نمی‌شود نیز باید سهم خود از دیه جنایت را به نسبت تعداد شرکاء بپردازد.

۲. البته در صورتی که اولیاءدم، از شریکی که قصاص نمی‌شود بلاعوض گذشت کنند و به تعبیر ماده (۳) قانون تشدید اسیدپاشی، نسبت به مجازات تعزیری مرتکب نیز اعلام گذشت کنند این مجازات تعزیری، یک درجه قابل تخفیف است یعنی مجازات تعزیری درجه یک به مجازات تعزیری درجه دو تبدیل خواهد شد.

شریک دیگری که قصاص نمی‌شود بایستی سهم خود از دیه جنایت را به قصاص شونده بپردازد اما اگر بزه دیده قصد استیفای قصاص نسبت به هر دو شریک را داشته باشد بایستی پیش از اجرای قصاص، دیه مازاد جنایت ایجاد شده بر عضو را به قصاص شونده بپردازد.

۴-۲. مجازات معاون

معاون در جرم کسی است که با اقدامات تحریک‌آمیز و تسهیل‌کننده، به مرتکب اصلی در ارتکاب جرم یاری می‌رساند بی‌آنکه جرم مستند به رفتار وی باشد. بر این اساس چنانچه، (الف)، با پاسخ منفی دختری که مورد علاقه اوست روبرو شود و (ب) وی را تحریک و تشویق کند تا دختر مورد علاقه‌اش را با اسید تهدید به قبول پیشنهاد ازدواج نماید و (الف) اقدام به اسیدپاشی نماید در این صورت، (ب) معاون در جرم اسیدپاشی محسوب می‌شود. قانون‌گذار در ماده ۱۲۶ ق.م.ا، رفتارهای فیزیکی معاون را بیان و در ماده ۱۲۷، مجازات معاون را تعیین نموده است. قانون‌گذار در ماده (۴) قانون تشدید اسیدپاشی^۱، مجازات معاون در این جرم را مستقل از قانون مجازات اسلامی تعیین نموده بود لیکن با تصویب ماده (۱۵) قانون کاهش مجازات حبس تعزیری در حال حاضر بایستی قائل به نسخ این ماده و حاکمیت ماده ۱۲۷ ق.م.ا، برای تعیین مجازات معاون در جرم اسیدپاشی بود.

بر این اساس و با توجه به نسخ ماده (۴) قانون تشدید اسیدپاشی، چنانچه مجازات قانونی مباشر، قصاص نفس باشد، به استناد بند (الف) ماده ۱۲۷، معاون به حبس تعزیری درجه دو یا سه محکوم خواهد شد در صورت عدم شمول قصاص بر رفتار مرتکب و محکومیت وی به تعزیر، مجازات معاون بر اساس بند (ت) ماده ۱۲۷، یک تا دو درجه پایین‌تر از مجازات

۱. ماده ۴: مجازات معاونت در جرائم موضوع این قانون به ترتیب زیر تعیین می‌شود:

الف- در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، سلب حیات باشد، به حبس تعزیری درجه دو.

ب- در صورتی که مجازات قانونی مرتکب، قصاص عضو باشد، به حبس تعزیری درجه سه.

پ- در صورتی که مجازات مرتکب قصاص نباشد، یا به هر علتی قصاص نفس یا عضو اجرا نشود، به یک درجه پایین‌تر از مجازات تعزیری مرتکب.

مباشر خواهد بود. لیکن در دو فرض کماکان ابهام وجود دارد. اول: اگر رفتار مرتکب مستوجب آسیب به عضوی از اعضای بزه‌دیده شود بدون آنکه آن عضو قطع شود مجازات معاون چگونه تعیین خواهد شد؟ بند (ب) ماده ۱۲۷ صرفاً قطع عمدی عضو را مورد اشاره قرار داده است در حالی که ممکن است رفتار مباشر جرم اسیدپاشی مصداق قطع عضو نباشد و موجب آسیب به عضو شود. همین ابهام و چالش در صورتی که مجازات قانونی مباشر، قصاص منفعت باشد وجود خواهد داشت. به نظر می‌رسد در این خصوص خلأ قانونی وجود دارد و ماده ۱۲۷ در این فرض ساکت است. بنابراین هر چند اقدام قانون‌گذار در یکپارچه کردن نوع و میزان مجازات معاون در کلیه جرایم، اقدامی است پسندیده لیکن در این دو فرض ماده ۱۲۷ راهگشا نخواهد بود. به دیگر سخن، نسخ تمامی مصادیق خاص معاونت در جرم اسیدپاشی بدون آنکه ماده ۱۲۷ تمامی فروض را در بر بگیرد معضلی را به وجود آورده است. بر این اساس به نظر می‌رسد معاون در ارتکاب جرم اسیدپاشی که وصف رفتار مباشر آن جنایت بر عضو باشد لیکن مصداق قطع عضو نباشد و همچنین مجازات قانونی رفتار مباشر، قصاص منفعت باشد قابل مجازات نیست مگر آنکه در فرض اخیر، قصاص منفعت اجرا نشود که در این صورت بر حسب میزان تعزیر فاعل اصلی، معاون به تعزیر یک تا دو درجه پایین‌تر محکوم خواهد شد.

۲-۵. مجازات شروع به جرم

شروع به جرم وصف مرتکبی است که با گذار از عملیات مقدماتی، گام در مسیر ارتکاب رفتار فیزیکی جرم می‌گذارد لیکن در میانه راه به واسطه عامل خارج از اراده، ناکام و قصدش معلق می‌ماند. بنا به تأکید ماده ۱۲۳ ق.م.ا «مجرد قصد ارتکاب جرم و یا عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم است و ارتباط مستقیم با وقوع جرم ندارد، شروع به جرم نیست و از این حیث قابل مجازات نمی‌باشد» بنابراین صرف خرید اسید حتی به قصد ارتکاب جرم در آینده شروع به جرم محسوب نمی‌گردد. بر این اساس چنانچه شخصی به

قصد قتل، ظرف محتوای اسید را آماده کند و در حالی که آماده پاشیدن اسید است ثالثی از راه برسد و با بر هم زدن تعادل وی، مانع از ریختن اسید به قربانی شود اقدامات مرتکب در مرحله شروع به جرم متوقف مانده است چون از یک سو وی گام در مرحله عملیات اجرایی نهاده و از سوی دیگر عامل خارج از اراده، مانع از تحقق جرم شده است.

قانون گذار در قانون تشدید اسیدپاشی، اشاره‌ای به مجازات شروع به جرم اسیدپاشی نکرده لذا برای تعیین مجازات شروع کننده بایستی به ماده ۱۲۲ ق.م.ا رجوع کرد. اما این امر با مانع روبروست چرا که مجازات قانونی اسیدپاشی واحد نیست و بر حسب نتایج حاصل از رفتار، متعدد است. به عنوان نمونه در مثال فوق، مرتکب را بر اساس کدام یک از بندهای ماده ۱۲۲ باید مجازات کرد؟ آیا صرف اینکه مرتکب، قصد قتل داشته هر چند آسیبی به قربانی وارد نشده عمل وی مستند به بند (الف) ماده ۲ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، مشمول بند الف ماده ۱۲۲ ق.م.ا و مستوجب محکومیت به حبس درجه ۴ خواهد شد یا اینکه چون در عمل هیچ‌گونه آسیبی متوجه بزه دیده نشده است باید قدر متیقن را در نظر گرفت و با در نظر داشتن بند (ت) ماده ۲ قانون تشدید مجازات اسیدپاشی، عمل مرتکب را مصداق بند ب ماده ۱۲۲ ق.م.ا و موجب محکومیت به حبس درجه ۵ دانست؟ این مورد و مواردی از این دست مصادیقی هستند که در رسیدگی‌های عملی به جرائم اسیدپاشی در محاکم مشکلاتی را به همراه خواهند داشت و موجب تفاسیر متعدد و متفاوت خواهند شد که ضرورت دارد قانون گذار نسبت به رفع این نقیصه اقدام نماید.^۱

۱. در این فرض و همچنین در کلیه جرایمی که مجازات قانونی متعدد یا تخییری است سه رویکرد وجود دارد. رویکرد اول، رویکرد تخییری است که به موجب آن به منظور تعیین کیفر شروع به جرم، دادگاه مخیر است تا مطابق یکی از کیفرهای متعدد قانونی عمل کند. مطابق دیدگاه دوم دادگاه مکلف است ملاک را شدیدترین کیفر تخییری مقرر در قانون قرار دهد و بر اساس آن کیفر شروع به جرم را تعیین کند و مطابق دیدگاه سوم ملاک، خفیف‌ترین کیفر قانونی است و مجازات شروع به جرم منطبق با کیفر اقل تعیین می‌شود. جهت مطالعه بیشتر: ر.ک به: (صادق نژاد نائینی و خانعلی پور واجارگاه، ۱۳۹۸: ۱۱۴).

این معضل در صورت ارتکاب جرم عقیم یا محال اسیدپاشی نیز متصور است. به عنوان نمونه اگر شخصی به قصد قتل، ظرفی از اسید را به سمت دیگری پرتاب نماید و بپاشد اما آن شخص به سرعت از مهلکه گریخته و اسید به وی نرسد و هیچ‌گونه آسیبی به وی وارد نشود، در اینجا طبق قواعد عمومی مرتکب جرم عقیم شده است که با قیاس اولویت می‌توان رفتار ارتكابی را مصداق تبصره ماده ۱۲۲ ق.م.ا و در حکم شروع به جرم دانست. همچنین اگر مرتکب به تصور آنکه مایع داخل ظرف اسید است و به قصد آسیب به قربانی، مایع را به صورت وی بپاشد ولی به بزه‌دیده آسیبی وارد نشود رفتار ارتكابی مصداق جرم محال و مشمول تبصره ماده ۱۲۲ است. همچنین اگر مجازات قانونی رفتار ارتكابی، قصاص عضو یا قصاص منفعت باشد رفتار شروع‌کننده به جرم اسیدپاشی، قابل مجازات نخواهد بود.

نتیجه‌گیری

قانون تشدید مجازات اسیدپاشی مصوب ۱۳۹۸ در مقایسه با قانون مربوط به مجازات پاشیدن اسید مصوب ۱۳۳۷ واجد نوآوری‌هایی است که گویای التفات قانون‌گذار به اقتضائات حیات اجتماعی و به ویژه نیازهای بزه‌دیده است؛ امری که نوید تدوین یک سیاست جنایی جامع در قبال پدیده شوم و غیرانسانی اسیدپاشی را می‌دهد. توسعه دامنه شمول رفتارهای مشمول اسیدپاشی، پیش‌بینی مجازات تعزیری برای مرتکبان اسیدپاشی که به هر علت قصاص نمی‌شوند، الزام مرتکب به جبران خسارت مادی و معنوی و هزینه‌های درمان بزه‌دیده و رسیدگی به دعاوی و شکایات موضوع این قانون خارج از نوبت از جمله این نوآوری‌هاست. لیکن ابهام در عبارت «اعمالی نظیر آن» در تبصره (۱) ماده (۱)، عدم تعیین ماهیت مجازات تعزیری مذکور در ماده (۳)، سیاست دوپهلوی قانون‌گذار در قبال نهادهای ارفاقی و خلأ قانونی در خصوص تعیین مجازات معاون در فرضی که مجازات مباشر قصاص منفعت باشد و عدم تناسب مجازات تعزیری این رفتار در مقایسه با ماده ۶۱۲ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، عدم پیش‌بینی حضور و نقش‌آفرینی سازمان‌های مردم‌نهاد برای حمایت از بزه‌دیدگان این جرایم^۱ از جمله ضعف‌های این قانون است که ضروری است از سوی قانون‌گذار مورد توجه قرار گیرد و برطرف شود.

۱. برای مطالعه بیشتر در این خصوص: ر.ک به: Welsh, Jane 2009, pp 43-51.

منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی

- الهام، غلامحسین، محسن برهانی (۱۴۰۱)؛ درآمدی بر حقوق جزای عمومی (جرم و مجرم)، ج ۱، چ ۵، تهران: میزان.
- ابراهیمی، مرضیه، زهرا میرحسینی (۱۳۹۶)؛ «مطالعه زمینه‌ها و انگیزه‌های اسیدپاشی در بستر مناسبات جنسیتی و نابرابری‌های اجتماعی»، *مجله تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی*، ش ۴، ۱۳۹۶.
- آقائی‌نیا، حسین (۱۳۹۹)؛ جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص (جنایات)، چ ۱۸، تهران: میزان
- بای، حسین‌علی (۱۳۹۲)؛ «مجازات اسیدپاشی»، *فصلنامه اهل بیت*، سال ۱۹، ش ۷۵ و ۷۶، ۱۳۹۲.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۲)؛ «تحلیل بزه‌دیده شناسانه اسیدپاشی با نگاهی به پرونده آمنه بهرامی نوا»، *پژوهش حقوق کیفری*، سال دوم، ش ۴، ۱۳۹۲.
- روستایی صدرآبادی، حمید، هادی، مرسی (۱۴۰۱)؛ «رویکرد حمایتی حقوق کیفری ایران در قبال بزه‌دیدگان اسیدپاشی» (با تأکید بر قانون تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن)، *فصلنامه مجلس و راهبرد*، سال ۲۹، ش ۱۰۹، ۱۴۰۱.
- زراعت، عباس (۱۳۹۲). *حقوق جزای اختصاصی (۱)*، تهران: فکرسازان.
- زندى، محمد رضا، اوجاقلو، صالح (۱۳۹۵)؛ مطالعه بزه اسیدپاشی و سیاست کیفری ایران در قبال آن راه کارهای پیشگیری از آن با نگاهی بر قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، *ماهنامه قضاوت*، ش ۸۶، ۱۳۹۵.
- صادق‌نژاد نائینی، مجید، سکینه خانعلی‌پور و اجارگاه (۱۳۹۸)؛ «چالش‌های پیش‌روی تعیین کیفر شروع به جرم در جرائم با کیفرهای متعدد و تخییری در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال ۸۳، ۱۳۹۸.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)؛ *مبسوط فی فقه الإمامیه*، جلد ۷، چ ۳، تهران: المکتبه المرتضویه.
- عارفی، مرتضی (۱۴۰۰)؛ درآمدی بر جرم‌انگاری تأمین مالی تروریسم: ماهیت و شیوه‌های ارتکاب، *آموزه‌های حقوق کیفری*، ش ۲۱، ۱۴۰۰.
- عارفی، مرتضی (۱۴۰۱)؛ متمم قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ ق.هـ)؛ *تحریر الأحكام الشرعیه*. جلد ۵، قم: موسسه امام صادق علیه السلام.

محبی، جلیل، سکینه خانعلی پور واجارگاه (۱۳۹۷): «اظهارنظر کارشناسی درباره طرح تشدید مجازات اسیدپاشی و حمایت از بزه‌دیدگان ناشی از آن»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ه.ق). شرایع الإسلام. ج ۴، چ ۲، قم، موسسه اسماعیلیان. مظاهری، امیرمسعود (۱۳۹۵): «نقدی بر کیفر تعیین شده برای جرم اسیدپاشی»، دو فصلنامه رویه قضایی (حقوق کیفری)، ش ۲، ۱۳۹۵.

میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۹): جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، چ ۲۹، تهران: میزان. نظری توکلی، سعید، فاطمه کراچیان ثانی (۱۳۹۹). «اجرای مجازات قصاص در جرم اسیدپاشی»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۷، ش ۱۰۳، ۱۳۹۹.

ب- منابع خارجی

Kumar, Vidhik (2021). **Acid Attacks in India: A Socio-Legal Report**, Dignity, Volume 6.
Welsh, Jane (2009). **A Comparative Exploration of Acid Attack Violence**, a thesis submitted to the faculty of the University of North Carolina.